

از مروارید تا نفت



تاریخ خلیج فارس

(از بندر سیراف تا کنگان و عسلویه)

رضا طاهری



نشر نخستین

سرشناسه	:	ظاهری، رضا ۱۳۵۵ -
عنوان و نام پدیدآور	:	از مروریید تا نفت: تاریخ خلیج فارس (از بندر سیراف تا کنگان و عسلویه) / رضا ظاهری.
مشخصات نشر	:	تهران، نخستین، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	:	۵۲۰ ص: مصور، جدول.
شابک	:	۹۶۸ - ۶۰۰ - ۱۲۷ - ۳۶ - ۹
یادداشت	:	چاپ دوم.
یادداشت	:	چاپ قبلی: داستان سرا، ۱۳۸۸ (۴۹۶) ص.
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیا
موضوع	:	خلیج فارس — تاریخ.
رده‌بندی کنگره	:	۱۳۹۰ ۴ الف ط / DSR۲۱۳۴
رده‌بندی دیویی	:	۹۵۵ / ۷۳۵
شماره کتابخانه ملی	:	۲۳۷۴۵۶۶



نشر نخستین

از مروارید تا نفت: تاریخ خلیج فارس

(از بندر سیراف تا کنگان و عسلویه)

رضا طاهری

روی جلد: سیاوش برادران

حروف نگار و صفحه آرا: رضا طاهری

چاپ دوم، ویرایش دوم (چاپ اول ناشر): تابستان ۱۳۹۰

لیتوگرافی: نگین / چاپ: تصویر / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

reza.taheri55@gmail.com

نشانی مؤلف:

<http://www.rezataheri.ir>

نشر نخستین: تهران - خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین

تقاطع روانمهر - شماره ۲۲۷ طبقه اول

تلفن: ۶۶۴۹۸۱۴۸ - ۶۶۴۱۸۹۷۹

همه حقوق برای مؤلف محفوظ است

چاپ دوم این کتاب با حمایت مالی

شرکت بین المللی ساروج بوشهر انجام گرفته است.

۱۲۵۰۰ تومان

تقدیم به:
پدر و مادرم

رَحِمَ اللهُ امرءَ عَرَفَ مِنْ أَيْنِ
و فِي أَيْنِ وَ أَلَى أَيْنِ
رحمت کند خداوند کسی را
که بداند از کجا آمده است،
در کجا آمده است،
و به کجا می رود.
(علی علیه السلام)

www.ketab.ir

فهرست

مقدمه چاپ اول.....	۱۱
مقدمه چاپ دوم.....	۱۹

بخش اول: تاریخ سواحل خلیج فارس و سیراف

تاریخ مختصر خلیج فارس.....	۲۳
اعراب و خلیج فارس.....	۴۸
قرن‌های اول هجری.....	۵۳
ایالت فارس.....	۶۵
نام سیراف.....	۷۵
سیراف از دید تاریخ‌نگاران.....	۸۳
وضعیت اجتماعی سیراف.....	۹۳
همسایگان سیراف.....	۱۰۱
ویرانی سیراف.....	۱۲۳
آثار بازمانده از سیراف.....	۱۲۷
مردان نامی سیراف.....	۱۴۸

بخش دوم: تاریخ بندرکنگان

آغاز تاریخ کنگان.....	۱۵۸
-----------------------	-----

۱۷۰	کنگان، نام‌ها و لهجه‌ها.....
۱۸۹	تشکیل حکومت صفویه.....
۱۹۵	تسلط پرتغال بر حکومت ایرانی هرمز.....
۱۹۹	فروش توپ و روابط پرتغالی‌ها با صفویه.....
۲۰۳	فتح بحرین از بندر عسلویه و اخراج پرتغالی‌ها.....
۲۰۵	فتح هرمز و اخراج پرتغالی‌ها.....
۲۰۸	وضعیت کنگان در عصر صفوی و بازرگانی پرتغالی‌ها.....
۲۱۴	یهودیان در منطقه کنگان.....
۲۱۶	حکومت نادرشاه افشار.....
۲۱۸	رفع طغیان محمدخان بلوچ در جنوب.....
۲۲۰	وضعیت منطقه شیکوه و ضابطین محلی.....
۲۲۴	بحرین و عرب‌های حوله کنگانی.....
۲۲۷	لشکرکشی نادرشاه به عمان.....
۲۳۰	شورش تقی‌خان.....
۲۳۱	نگاه نادرشاه به بوشهر.....
۲۳۵	تشکیل حکومت زندیه.....
۲۳۸	خروج بازرگانی کم‌رونق پرتغالی‌ها از بندر کنگان.....
۲۳۹	طرح حمله ناگهانی کمپانی هند به بندر کنگان.....
۲۴۰	کریم‌خان زند و جمع‌آوری سپاه از جنوب ایران.....
۲۴۲	شیخ حجر و قتل و غارت مردم کنگان در دوره کریم‌خان زند.....
۲۴۴	میرمهنا و اخراج هلندی‌ها از خلیج فارس.....
۲۴۸	کریم‌خان زند و مطیع ساختن امیران محلی.....
۲۴۹	حمله ناوگان دریایی ایران به عمان از بندر کنگان.....
۲۵۱	فتح بصره.....
۲۵۳	ارتقاء بندر بوشهر.....

دزدان دریایی (نگاه غالب سفرنامه‌های غربی به ساحل‌نشینان

۲۵۵	خلیج فارس).....
۲۵۸	کنگان در دوره خاندان زند.....
۲۶۰	حکومت قاجاریه.....
۲۶۷	ایالت فارس.....
۲۷۲	تشکیل حکومت بنادر و ایالت فارس.....
۲۷۶	وضعیت اجتماعی حاشیه خلیج فارس در دوران قاجار.....
۲۸۱	نظام اداری در شییکوه.....
۲۸۷	نگاهی به بلوک کنگان.....
۲۹۱	شیخ جبار خان نصوری.....
۲۹۴	ماجرای شیخ جبار نصوری و ملا محمد تقی مدگماری.....
۲۹۶	بوشهر و آل مذکور.....
۲۹۸	قشقای ها در کنگان.....
۳۰۱	لشکرکشی انگلیسی ها به بوشهر.....
۳۰۵	فارس و بوشهر پس از جنگ بوشهر.....
۳۰۷	نگاهی به تاریخ دشتی و دلایل حمله خان دشتی به بندرکنگان.....
۳۱۴	کشته شدن شیخ حسن خان نصوری و قتل و غارت بندر عسلویه ...
۳۱۵	نگاهی به بلوک عسلویه سرزمین آتش ها.....
۳۱۸	شیخ مذکور و همسایه های جمعی.....
۳۲۰	نگاهی به جم و ریز.....
۳۲۹	شیخ مذکور و ضرب سکه.....
۳۳۳	اعدام شیخ مذکور در شیراز.....
۳۳۷	شیخ حاتم نصوری و اداره بندرکنگان.....
۳۳۹	وضعیت عسلویه و نخل تقی و چاه مبارک.....
۳۴۳	نگاهی به اسیر و گله دار.....

۳۴۶	 نگاهی به بندرهای شییکوه
۳۴۸	 نظام اداری در دشتی و بنادر شییکوه
۳۵۴	 کشاورزی و بازرگانی در شییکوه
۳۵۷	 یهودیان بازرگان در کنگان
۳۵۹	 جنگ جهانی اول و اشغال بوشهر
۳۶۳	 مردم کنگان در زمان جنگ جهانی اول
۳۶۶	 ظهور و سقوط رضاخان پهلوی

بخش سوم: ضمیمه‌ها

۳۷۵	 ضمیمه شماره ۱: نگاهی به کارنامه نفت در دریای آتش
	 ضمیمه شماره ۲: نگاهی به کارنامه گاز (منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس (عسلویه))
۳۹۰	
۴۰۳	 ضمیمه شماره ۳: نگاهی به کارنامه مروارید
۴۰۹	 ضمیمه شماره ۴: شتران بادپای جنوبی
۴۲۳	 ضمیمه شماره ۵: سرزمین‌های ساحلی خلیج فارس
۴۳۶	 ضمیمه شماره ۶: از بازرگانی تا سلطه‌گری در خلیج فارس
۴۴۸	 ضمیمه شماره ۷: خلاصه‌ای از وضعیت بندرکنگان در حال حاضر
۴۶۹	 ضمیمه شماره ۸: نگاهی به بنادر و زندگی در شییکوه
۴۷۷	 ضمیمه شماره ۹: خاندان‌های عرب در سواحل شمالی خلیج فارس
۴۸۷	 ضمیمه شماره ۱۰: نگاهی به همسایگان بندرکنگان

۵۰۰	 منابع و مآخذ
۵۱۴	 فهرست عکس‌ها

مقدمه چاپ اول:

۱- می‌گویند: در بندری کوچک و قدیمی دختری همیشه در حال گریه کردن بود. اشک‌های دخترک تبدیل به مروارید می‌شد. مردم با جمع‌آوری دانه‌های مروارید و فروش آن زندگی می‌کردند. آن بندر در سالیان کوتاهی یکی از بندرهای بزرگ و آبادان جهان شد. مردم شاد و خندان زندگی می‌کردند، اما دخترک همیشه گریه می‌کرد و کسی نمی‌دانست چرا؟

۲- در گسترش صنعتی- اقتصادی و افزایش فعالیت‌های تولیدی و چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، گاز به عنوان یک منبع مهم انرژی و سوخت به شمار می‌آید. ۲۸ فاز برای توسعه میدان عظیم گاز پارس جنوبی که بزرگترین حوزه گازی دنیاست، توسط وزارت نفت تعریف شده‌است. هر فاز پارس جنوبی سالانه یک میلیارد و پانصد میلیون دلار درآمد دارد.^۱

۱- «اتفاق سرمایه‌گذاری اولیه پارس جنوبی در قالب ۲۸ فاز پالایشگاه گاز و ۲۵ واحد پتروشیمی جمعاً ۶۰ میلیارد دلار است. ۶۵ درصد کل ذخایر نفت و گاز دنیا در خلیج فارس است که بر اساس برآوردهای انجمن شده بهره‌برداری از این ذخایر تا ۹۰ سال آینده قابل انجم است. خلیج فارس به عنوان مرکز مهم راهبردی دنیا از لحاظ سیاسی و اقتصادی، فقط برای برداشت ۳۰ درصد از ذخایر یادشده باید ۱۰۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در خلیج فارس صورت گیرد. حجم ذخایر میدان گازی پارس جنوبی بین جمهوری اسلامی ایران و قطر مشترک می‌باشد. ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در خلیج فارس برای برداشت ذخایر یادشده سهم جمهوری اسلامی ایران نیاز است که تحقق آن نه تنها استان بوشهر و استان‌های همجوار را متحول می‌کند، بلکه اقتصاد ملی را نیز شکوفا خواهد کرد. برای توسعه پارس شمالی در استان بوشهر نیز در قالب هشت فاز پالایشگاهی ۳۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خواهد شد. در افق ۲۵ ساله ۹۰۰ میلیون مترمکعب گاز از فازهای پارس جنوبی برداشت خواهد شد که ۱۰۰۰ میلیارد دلار برای کشور درآمد دلرد و اگر گازهای تولیدی به ارزش افزوده تبدیل شود، این رقم به ۲۱۰۰ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت. سیاست ساخت سه‌شهر جدید در شهرستان‌های جم، کنگان و دیر استان بوشهر با ظرفیت ۱۵۰ هزار واحد مسکونی از اهداف منطقه‌ویژه اقتصادی پارس جنوبی است. پارس جنوبی هم‌اینک ۶۰ هزار نفر فرصت‌شغلی ایجاد کرده که جمعیت این منطقه با افراد بومی به حدود ۱۰۰ هزار نفر رسیده‌است.» سیدعبدالجلیل رضوی، مدیرعامل منطقه‌ویژه اقتصادی انرژی پارس، روزنامه ایران، ۱۲ اسفند ۸۵

به گفته بیش‌تر کارشناسان صنعت نفت، در حال حاضر ذخایر گازی ایران برای ۱۵۰ سال آینده و ذخایر نفتی برای ۷۰ سال آینده دوام خواهد داشت، این در حالی است که ایران ۸/۱۷ درصد گاز جهان را در اختیار دارد و تنها حوزه پارس جنوبی ۵۰ درصد کل گاز ایران را شامل می‌شود. با وجود متقاضیان خرید گاز ایران، این گفته زیباتر خواهد بود که میدان گاز پارس جنوبی گنجی پر بها و ذخیره‌ای ارزشمند برای ایران و جهان است که قادر خواهد بود نیاز جهان به گاز را برای ده سال تأمین کند. بنابراین ضروری به نظر می‌رسد که ایران با استفاده بهینه از این سرمایه ارزشمند، تلاش جدی و جدیدی در پیشبرد صنعت فرآورده‌های نفتی و دیگر سوخت‌ها آغاز نماید. امروزه ضرورت استفاده از دیگر سوخت‌ها فراموش نشده است. در کشور ایران تلاش می‌شود به جای استفاده از سوخت‌های نفتی، از گاز به عنوان منبع مناسب‌تر استفاده شود و همچنین تلاش می‌شود که به جای استفاده از نفت و فرآورده‌های آن، به عنوان سوخت و منبع تولید انرژی، انرژی‌های دیگر را جایگزین کنند یا حداقل به جای استفاده از فرآورده‌های نفت خام از گاز استفاده نمایند و از نفت خام به عنوان پیش نیاز رشد صنایع پتروشیمی و صنایع مادر استفاده شود. با این همه در کشورهای بزرگ صنعتی در کنار رسیدن به انرژی هسته‌ای، هنوز از انرژی زغال سنگ استفاده می‌شود. انرژی‌های رایجانی چون انرژی آب، انرژی باد،^۱ انرژی خورشید و حتی انرژی امواج دریاها مبحث قرن جدید هستند که در کنار انرژی هسته‌ای و گاهی مهم‌تر به آن‌ها نگاه می‌شود و بسا که در آینده‌ای نه چندان دیر، دور شکوهمندی صنعت نفت^۲ نیز همچون صنعت‌های دیگر به پایان رسد. این یعنی در زیر آسمان رنگ پریده هیچ چیزی همیشه رنگ تازگی نخواهد داشت. این پیامدی است که هیچ جای جهان به حویث مغرور نشود تا عسلویه امروز (سرزمین آتش‌ها) جایگزین سیراف دیروز (عروس بندرهای بازرگانی جهان) شود؛ این بار نه در بازرگانی و نه در صید مروارید، بلکه در تولید و صادرات

۱- ایرانیان در فن آبیاری و کندن کاریز (قنات) پیشگام دیگر ملت‌های دنیا بوده‌اند. به گواهی تاریخ. این فن نخست از ایران به ترکمنستان و آفریقا برده شده است. تاریخ نگاران بر این باورند، ایرانیان اولین کشوری بوده‌اند که از نیرو و انرژی باد برای دستیابی به آب از چاه و آرد کردن گندم سود جسته‌اند.

۲- امروزه به نفت به عنوان سوخت نگاه نمی‌شود، بلکه به عنوان ماده آغازین و سازنده بیش‌ترین اشیاء زندگی بشر امروز دیده می‌شود.

نفت و گاز و شاید روزگاری نزدیکتر از افول صنعت نفت و گاز، دوران تازه‌ای برای انرژی جدید در دریای پارس رقم بخورد.^۱

خلیج فارس جایگاه پرواز پرنده ایران به افق‌های دور است. و روزنه‌ای است که طبیعت برای تنفس ما به دنیای خارج باز گشوده‌است. ایران برای جهانی بودن‌اش می‌بایست با تغذیه از ذخایر ملی نفت و گاز، در رونق دریانوردی و بازرگانی در خلیج فارس بکوشد و راهی جز این ندارد؛ چرا که محصور ماندن در فلات ایران ما را با همه سرمایه‌های خدادادی‌مان از آن‌چه که استحقاق آن را داریم باز می‌دارد.

شوربختانه بارها از مسئولان و مدیران شهری شنیده شده‌است که رونق آبادانی بندرهای کنگان، عسلویه و دیر و ... را در شروع برداشت معادن زیرزمینی نفت و گاز معرفی کرده‌اند.^۲ حال آنکه خوان نفت گشوده‌است و یک سفره ملی است و انکار تاثیر آن کفران نعمت الهی است، اما این که از نعمت خدا در جنوب تنها نفت را ببینیم و آن را نفت‌آباد یخوانیم، نوعی کفران نعمت و شرک خواهد بود.^۳ بندرهای قدیمی این کشور پیش‌ترها راه استفاده از انرژی‌های دیگر را نیز می‌دانسته‌اند و به کار می‌بسته‌اند؛ انرژی‌هایی که آیندگان بر آن سرمایه‌گذاری خواهند کرد.^۴

سنت خدا بر این است که هیچ چیزی در جهان به غیر او پایدار نماند، چونان که وحده لا اله الا هو. و زیباست که پند گیریم و در آن‌چه نباید، دل‌بستگی نشاید.

۱- عسل ماده‌ای فاسدشدنی است که ماده جلودانی شناخته می‌شود. با این تعبیر آیا عسلویه امروز و صنعت نفت جاودان خواهند ماند؟!

۲- کم‌کمک با همین گفته‌ها این ضرب‌المثل در کشور رایج می‌شود که بی‌تان توان زیست می‌نفت هرگز.

۳- کفر، نعمت از کفایت بیرون کند / شکر نعمت، نعمت افزون کند

۴- این که مردم کشور ما آب را گذرنده، بخشنده و مهریان می‌دانند و خاک را زاینده و پایدار می‌پندارند زیباست، اما این که همگان به خاک بیشتر دل‌ببندند و سرمایه‌گذاری کنند جای بررسی است. با همه دریادوستی و باورها و پیشینه دریانوردی ایرانیان، چند سده‌ای است که در سرمایه‌گذاری‌های دیرزمان و ایجاد زیرساخت‌ها یا ناتوان‌اند، یا به سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت روی آورده‌اند. زیرکی می‌گفت: «امروز بیش‌ترین فرایندها و کارهای دریایی در ساحل است!» «ما عبث در سینه دریا نفس را سوختیم / گوهر مقصود در دامان ساحل بوده‌است» پس چرا باید گفت تیر آرش است که خاک ایران را بازمی‌شناساند. هنوز تیر آرش روزها و ماه‌ها و سال‌ها و سده‌ها را می‌گذراند و ما به خاک می‌بالیم، با یادها در حال حرکتیم و با دریاها می‌خروشیم و با آتش‌ها دل‌گرم

پس لزوم اندیشیدن جهت جایگزینی انرژی و بحث کار و شغل در صد سال آینده که نفت و گاز تمام خواهدشد، بی اساس نخواهدبود.^۱

این بندرها از قدیم الایام با بازرگانی و ماهیگیری زنده بوده‌اند و رونق بازرگانی، دستیابی به روش‌های علمی صیادی است که با توجه به این که امروزه خلیج فارس نسبت به گذشته از آبیان دریایی فقیر شده‌است، ضروری به نظر می‌رسد.^۲

منطقه شیبکوه و پشتکوه زاگرس در واقع ۴ تا ۵ تمدن مهم دنیا را تجربه کرده‌اند. نگارنده اعتقاد دارد استان دوست داشتنی بوشهر چون مارمولکی دریایی در گوشه دریای پارس همیشه مترصد انرژی تازه است. با توجه به روند تاریخی خلیج فارس، همیشه در این منطقه علاوه بر داشتن معادن، جایگاهی برای ظهور انرژی و صنعت‌های جدید وجود داشته‌است. و در این که ما قدرت و استعداد استفاده از تمدن‌های جدیدتر در حاشیه خلیج فارس را داریم، همین بس که سید درویش به انگشت کوه‌ها را به من نشان داد و گفت: «بین! هیچکی نتوانسته آتش توی دل این کوه‌ها رو خاموش کنه.»^۳

۳- اما ضرورت نوشتن تاریخ کنگان - بندری که پشتش به کوهی بلند گرم است - را با آگاهی‌هایی که چندین سال به صورت شفاهی اندوخته بودم^۴ حس کردم. به بندرکنگان در تاریخ ایران (تاریخ معاصر ایران) یا نگاهی نشده‌است، یا این نگاه، متوجه تمدن سیراف تا اواخر دوران آل بویه بوده‌است. حال آن که برخی از بزرگان فرهنگی سیراف، پس از زلزله این بندر آباد و بزرگ، تا دوره ایلخانی در

۱- البته به این نکته نیز باید توجه داشت که علم و تمدن کولی است که یکتا نمی‌ماند. نه این که سهم ما از علم و دانش مشعلی باشد روشن بخش تا قرن‌ها بعد...

۲- در جایی از کتاب‌های سدیدالسلطنه کلبی می‌خواندم که «ماهی ساردین از ایتالیا در قوطی حلبی به ایران آرند، هر قوطی دو هزار ریال (دو ریال) فروشند و هر قوطی محتوی دوازده دانه است و کنج‌خواران مملکت با رغبت و میلان، آن ارمغان میلان را خورند.» و الحال مسئولین امر بدانند آن روز صنعت قوطی و کنسروسازی نداشتیم. امروز اگر از آبیان دریایی کاسته‌شود، یا قرار باشد از میلان کنسرو ماهی ساردین به ایران آرند، حتما نرخ آن به قیمت زعفران ایرانی خواهد بود؛ و اگر خوشبین باشیم و با گرانی امروز، به قوطی ای دو هزار تومان.

۳- عسلویه امروز را باید سرزمین آتش یا دیار آتش نامید. و شیرین‌تر این که عسلویه شیرین که به گمان برخی‌ها با عسل نسبت دارد و کان و سرچشمه عسل بوده‌است، زبان حالش این شعر می‌شود که:

چو شیرینی از من به در می‌رود چو فراهم آتش به سر می‌رود.

۴- خار خشکم که به ناگاه بر آب افتادم آن که می‌برد، مرا نیز سوی دریا برد.

همان روستای به جامانده زندگی می‌کرده‌اند و به هیچ عنوان پذیرفتنی نیست که کنگان را حداقل در تاریخ ۵۰۰ ساله منطقه به عنوان منطقه‌ای مهم که ایفای نقش می‌کرده‌است فراموش کنیم. در بخش بوشهرشناسی در سال‌های اخیر تلاش‌هایی صورت گرفته که بخشی از آن مرهون ترجمه سفرنامه‌ها و تحقیقات پیشین است. اما به هر حال مناطق جنوبی‌تر بوشهر دقیق دیده نشده‌اند. خارج از تحقیق غلامرضا معصومی که بسیار دقیق و زیبا و بیش‌تر به تخصص ایشان در باستان‌شناسی و همکاری‌شان در باستان‌شناسی منطقه سیراف پیوند دارد و بنده چه با مطالعه کتاب سیراف ایشان که شرح جزئیات حفاری‌های آن سودمند افتاد و چه در دیداری که با ایشان داشتم، بهره‌ها بردم و دیگر این‌که از نوشته‌های محمدحسین سمسار در بخش‌هایی از تاریخ و وضعیت اجتماعی و فرهنگی مردم سیراف در قرن اول تا پنجم هجری که واقعا کامل و موشکافانه بود و همچنین نگاه‌های احمد اقتداری - که بسیار زیبا و دقیق دیدم - استفاده‌ها کردم.

به هر حال با چاپ این کتاب، بازخوانی آثار آن بزرگان و آفرین گفتن بر همت و تلاش‌شان را نیاز می‌بینم. باشد که در آینده‌ای نزدیک آن گوشه‌هایی که از دید من پنهان مانده‌است و آن راه‌هایی که به هر دلیلی خطا رفته‌ام، مورد نقد و بازبینی قرار گیرد.^۱ دیگر این‌که در ساماندهی مجموعه انرژی - اقتصادی پارس جنوبی، هرگز تاریخ و تمدن کهن منطقه از یاد برده نشود. چرا که هر چیز سختی دود می‌شود و می‌رود هوا.^۲ گذشته فراراه آینده‌است.^۳ تضمین آینده بستگی به تحلیل و تجزیه گذشته دارد، بی‌آنکه در گذشته‌نگری تعصب ورزیم و یا خشم و نفرت دامن‌مان را فراگیرد، چرا که «یکی از دردهای زندگی نفرت و کینه است».^۴

در حالی تاریخ منطقه را می‌نویسم که سخت باور به جهانی‌شدن دارم. «از عوارض منفی جهانی‌شدن، از بین بردن هویت و خصوصیت فرهنگ‌ها است و یکسان‌سازی نامطلوب، جنبه مثبت‌اش هم این است که دست فرهنگ‌های بسته را

۱- زین کاروان سرا بسی کاروان گذشت / ناچار کاروان شما نیز بگذرد. (سیف الدین فرغانی)

۲- از این گفته مارکس شاید سال‌ها پیش در تفسیرهای قرآنی به عنوان سنت‌های الهی در تاریخ یاد شده‌است. و به گفته‌ای آنچه تغییر نپذیرفت و تغییر نپذیرد تویی.

۳- علی (ع).

۴- بودا.

در جهان باز می‌گذارد و جنایت علیه بشر در دهکده کوچک جهانی از چشم‌ها پنهان نمی‌ماند و برای آدم‌ها احساس وظیفه می‌آورد»^۱ و انسان‌ها را در زیر یک سقف می‌نشانند که:

بنی‌آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش زیک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار^۲

با این همه تاریخ جزء یک منطقه، نتیجه‌گیری درک کل‌ها را آسان‌تر می‌سازد و می‌آموزدمان که: «الملک بقی بالکفر ولایقی بظلم»^۳ هر ملکی با کفر پایدار می‌ماند اما با ظلم هرگز.

۴- کتاب را در سه بخش جای داده‌ام. بخش اول تمدن سیراف است تا دوران زوال که به ناگزیر خلاصه‌ای از وضعیت دریای فارس را به آن افزوده‌ام و نگاهی نیز به دیگر بندرها و شهرهای دریای فارس داشته‌ام. بخش دوم را تاریخ کنگان از دوران ویرانی سیراف قرار داده‌ام و چون موضوع‌هایی از دو بخش فوق برای بهتر دانستن لازم بود، بخش سوم را به آن افزودم و آن را ضمیمه‌ها نامیدم. با همه تلاش‌ام در خلاصه‌گویی و ارایه تحلیل‌های منطقی، برای آن که خوانش کتاب برخی از مخاطبان را نیازارد، در برخی از بخش‌ها به روشی داستان‌واره پناه برده‌ام.

از طرفی دیگر مهاجرپذیری کنگان در طول تاریخ و مهاجرت‌های گوناگون تاریخ معاصر، مرا واداشت که به تاریخ مناطق همسایه نیز نگاهی بیاندازم؛ چرا که تاریخ کنگان با تاریخ همسایگان‌اش گره خورده است. اگر می‌خواستم همسایگان را دقیق‌تر از این ببینم، به ناگزیر باید حداقل یک فارس‌نامه ۱۰ جلدی فراهم می‌آوردم. و حیف‌ام آمد که نگاهی به موقعیت فعلی شهر کنگان و شهر عسلویه نیانداخته باشم و اگر جایی با شک و تردید سخن گفته‌ام، بی‌گمان به امکان خطا و نسبیّت علم و ناقص بودن دلایل و مدارکم اعتقاد داشته‌ام.

۱- نقل به مضمون از ژاک دریدا.

۲- سعدی.

۳- محمد(ص).

۵- کار بر روی این مجموعه به گونه‌ای فشرده، پیاپی و روزانه از پاییز ۸۳ تا بهار ۸۴ ادامه یافته‌است. در این مدت، روزانه به صورت میانگین ۱۴ ساعت کار کرده‌ام و از بهار ۸۴ تا زمستان ۸۵ نیز کم و بیش این متن را اصلاح و ویراستاری کرده‌ام. همچنین بخشی از کارها را در مرحله بعدی حذف کردم. نوشته‌های حذف شده از این جمله‌اند: نقشه‌های خلیج فارس، خلیج فارس دروازه فرهنگ ایرانی، تاثیر ادبیات ایرانی بر ادبیات قرن‌های دوم تا پنجم میلادی عرب، ادبیات دوران رنسانس و... که خود زمانی دیگر و گسترش دید دیگری می‌طلبید. و بخشی دیگر از این کنار گذاشته شده‌ها چنین‌اند: گوشه‌هایی از آداب و باورهای محلی و ترانه‌ها که کسانی چون سیدجعفر حمیدی و عبدالحسین احمدی و... در این راه گام‌های پربراری برداشته بودند و نوشتن در این باره به تبارشناسی و غور بیش‌تر و کاری با حوصله‌تر نیاز داشت.

درباره رسم الخط کتاب نیز باید گفت تلاش کردم به شیوه امروزی بنویسم. اما در نوشته‌های قدیمی‌تر، به دلیل این که نثر، قدرت و پختگی کلام‌شان را دوست داشتم- با این که در خیلی موارد ختا نیازی نداشت- سعی کردم نوشته‌اشان را به همان شیوه قبلی و گاهی با مقداری دست‌کاری بیاورم. و چون غالب خواننده‌های کتاب‌های تاریخی دوست دارند کتابی که می‌خوانند ساده باشد، از آن اطلاعات گرفته و از خوانش کتاب‌های گوناگون پرهیز نمایند، در برخی موارد جهت رعایت حال این دسته خوانندگان، اگرچه خلاصه ولی به برخی از کلیات نگاهی انداخته‌ام. در خصوص پاورق‌نویسی‌ها نیز که گریز زدن‌های بسیارند، باید گفت: دوستی دارم ریزبین و نکته‌دان، هر گاه می‌خواهد برایم شعری بخواند با آن آبنباتی هم به من پیشکش می‌کند. لابد می‌دانید که از آبنبات در این گاه دو کار برمی‌آید: اول، تلخی و بی‌نمکی شعرش را شیرین می‌نماید؛ دوم، دهان ما را می‌بندد تا درباره شعرش حرفی نزنیم.

۶- از همه کسانی که یاری‌ام داده‌اند، سپاسگزارم: آقای عظیم عظیم‌پناه که از کتاب‌های اندوخته‌اش بیش از ۱۰ کتاب به کارم آمد و در اختیارم گذاشت؛ آقای غلامرضا زائری که در این زمان پایان‌نامه دانشجویی‌اش را به تاریخ هند و

خلیج فارس در ۵۰۰ سال اخیر اختصاص داده بود و از این رهگذر، با در اختیار گذاشتن برخی از منابع مرا بی نصیب نگذاشت.

خواهرانام زری و الهام در تایپ فیش های اطلاعاتی بسیار تلاش کردند و همچنین دوستان نازنینم محمودحیدری، سعید وفایی و نوشاد پولادی که در نوشتن این تاریخ شوق و ذوق در من برانگیختند و سپاسگزارم از دیگر دوستانام که از عکس های آنان در این کتاب سود جسته ام.

۷- و دیگر این که این کتاب اگرچه تاریخ است اما تنها آن چه سپری شده است نیست.

ای خدایی که دانا هستی،

بگو تلاش من، برای من و یارانم چه خواهد آورد؟
چه وقت ای دانا، راستی بر دروغ پیروز خواهد شد؟
زیرا این پیروزی شاهکار زندگی به شمار خواهد آمد.^۱

رضا طاهری- بهار ۸۵

مقدمه چاپ دوم:

شادمانم از این که ویرایش دوم این کتاب به چاپ می‌رسد و در آغاز به عنوان یک نویسنده و در جایگاه یک شهروند بومی جنوب ایران و یک ایرانی دوست‌دار تاریخ و هویت ایرانی از همکاری شرکت بین‌المللی ساروج بوشهر^۱ برای پرداخت هزینه چاپ دوم (ویرایش دوم) این کتاب تشکر می‌کنم و خرسندم که مدیران شرکت ساروج بوشهر نه تنها به فناوری کلینکر و دانه‌های سیمانی در حاشیه‌ی خلیج فارس می‌اندیشند، بلکه مرده‌ریگ تمدن این خلیج کهن فارسی را نیز پاس می‌دارند.

۱- در پهنه‌ی گسترده در ساحل شمالی آب‌های گرم و نیلگون خلیج فارس در استان بوشهر، کنار جاده کنگان به عسلویه، دو فرصت کلیدی: منابع آهکی با خلوص بالا و ساحل سنگی با عمق زیاد، که اولی برای تولید کلینکر و سیمان و دومی برای ایجاد اسکله صادراتی از نیازهای پایدار هستند، وجود دارد. شرکت بین‌المللی ساروج بوشهر با هدف استفاده از این دو فرصت کلیدی، برای تولید کلینکر و سیمان و صادرات آن‌ها، در سال ۱۳۷۷ توسط بخش خصوصی ایجاد شد. کارخانه سیمان کنگان با ظرفیت تولید ۶۰۰۰ تن کلینکر در روز با استفاده از آخرین و پیشرفته‌ترین فناوری ایجاد و در فروردین ۱۳۸۸ هم زمان با جشن ملی خودکفایی در تولید سیمان در ایران، به بهره‌برداری رسید. (ظرفیت تولید سیمان ۲۰۰۰ تن است). وجود منابع آهکی خالص و سایر مواد اولیه و فناوری پیشرفته و حضور مدیران و کارشناسان و کارکنان جوان و شایسته و با استعداد، پشتوانه ارزشمندی برای تولید محصول با کیفیت بالا در کارخانه سیمان کنگان است. سازمان شرکت بین‌المللی ساروج بوشهر، با رفتارهای سازمانی ارزش مدار ایجاد شده و بعنوان سازمانی یادگیرنده و از نسل فردا در فضایی جهانی شده، با اعتقاد به: مشتری جهانی است، بازار جهانی است، رقابت جهانی است، فناوری جهانی است، برای بقا و پیشرفت مداوم به منظور ایجاد بیشترین مزیت برای مشتریان، تلاش می‌کند.